

سازمانده کمونیست

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

نشریه کمیته تشکیلات کشور

۱۵ اردیبهشت ۱۳۸۵

۱۸

جمعه ها منتشر میشود

حکمتیست ها و فعالیت مشترک و حزبی، فعالیت اجتماعی و توده ای، دومعضل

بهرام مدرسی - اسد گلچینی

رهبران متحد کردن و متشکل شدن باشیم، ابتدا باید خود را بتوانیم متحد و متشکل کرده و تشکلمان را حفظ کنیم.

این به نظر ممکن است کمی عجیب بیاید، ولی واقعیت دارد. این تمایل به پراکندگی! متأسفانه عارضه ای قوی است که جنبش ما را رها نمیکنند. الفبای این کار باید متشکل شدن خود ما و کار متشکل خود ما باشد و مهمتر اینکه اگر این مشکل را به عنوان عارضه ای اجتماعی در برابر یک جنبش اجتماعی ببینیم با وسعت دید بهتری میتوان به جنگ آن رفت. چنانچه ما حکمتیست ها در قدم اول نتوانیم این موانع را برای متشکل شدن خود از سر راه برداریم و تاکیدات مختلف، سلیقه های مختلف و اولویت های مختلف بتواند ما را از این کار باز دارد، آنوقت قادر به دخالت موثر و آگاهانه در رفع این معضل اجتماعی نشده ایم و قادر به دخالتگری موثر از طرف هر جمع و کمیته ای کمونیستی که میتوانند با هم این فعالیت را انجام دهند نیستیم. هنوز بخش نسبتا بزرگی از تشکیلات ما

بیشتر این جنبه را هدف قرار داده است. کار ما این است راه مقابله را بیابیم. در هر جا که کار و زندگی میکنیم. کاملا خلاف جریان و در جایی که ظاهرا کاری نمیشود کرد و تبلیغات و تهدید و با نان مردم را گرو گرفتن میخواهند مانع متشکل شدن شوند، کار ما آنجاست. موجی از اعتراض و ناراضی و مبارزه در جریان است و به نسبت سالهای گذشته تعداد بسیار زیادی از فعالین و رهبران اعتراض را میتوان دید. چگونه ما قادر به متشکل کردن این مبارزه هستیم؟ این عارضه پراکندگی و پراکنده ماندن ظاهرا نباید دامن ما را هم بگیرد. اما این عارضه همزاد خفقان است و معضلی اجتماعی است و ما بدون تاثیر گرفتن از آن نیستیم و از آن تاثیر میگیریم و به همین گونه باید آنرا دید تا بتوان با آن مقابله ای اجتماعی کرد. کار ما دور کردن این عارضه از جنبشمان است. اگر میدانیم این دشمن را باید بر زمین زد، آنطور که نتواند کمر راست کند، باید از جایی شروع کرد. اگر میخواهیم فعالین و

برخی مشکلات مانع میشوند که کار کادر های حزب و فعالین حکمتیست آنطور که باید به نتیجه نرسند. قطب نمایی که ما داریم تبدیل شدن به حزب توده ای و اجتماعی است، تبدیل شدن به رهبران سوسیالیست و کمونیست کارگری و همینطور جنبشهای آزادی خواهی و برابری طلب جامعه است. چه موانعی را باید برای رسیدن به اینها شناخت و اینها را چگونه باید در محل کار و زیست پراتیک کرد. در این بخش بحث به ۲ معضل میپردازیم.

۱- پراکندگی

یکی از عارضه های سرکوب و خفقان پراکندگی است. متشکل شدن کار پر مخاطره ایست، حال چه تشکل کارگری، دانشجویی، و چه تشکل حزبی و ... باشد. این رژیم و نظام به همین دلیل فقط سر پا ایستاده است که راه این کار را با همه توان میخواهد سد کند. جنبش ها، فعالین و رهبران این جنبش ها برای تن ندادن به این وضعیت در کشمکش گسترده ای میباشند. سرکوب و خفقان دوره اخیر نیز

اول مه

پیروزی برای رهبران

بهرام مدرسی -
خالد حاج محمدی

اول مه امسال علیرغم فشارهایی که رژیم اسلامی در سطح کل کشور برای جلوگیری از برگزاری مراسم های مستقل ایزار کرد و علیرغم اوضاع سیاسی حاضر، پیروزی بزرگی برای رهبران کارگری و فعالین و رهبران کمونیست و آزادیخواه بود. چرا؟

- شکستن فضای جنگی رژیم

درحالی که رژیم تلاش داشت با دامن زدن به فضای جنگی و نظامی، روز کارگر را به مسئله ای دست چندم تبدیل کند، برگزاری مراسم های اول مه خود جواب محکمی به این فضا سازی رژیم اسلامی بود.

- ابراز وجود بیشتر رهبران و فعالین کارگری

امسال در بسیاری از شهر ها و مراکز کارگری شاهد ابراز وجود مستقل تعداد بیشتری از رهبران و فعالین کارگری در تدارک این روز بودیم. مستقل از دامنه عمل این مراسم ها، خود نفس پا جلو نهادن این صف از رهبران اعتراض کارگری در نوع خود ... ص ۳

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

اینگونه عمل میکند. هنوز رفقای ما قادر به رفع این موانع نشده اند و دقیقا به همین اعتبار نحوه فعالیت و مبارزه ای که در آن درگیرند همین خصوصیات پراکندگی را بدک میکشند. حکمتیست پراکنده نباید داشته باشیم. و این هنوز در میان ما رواج دارد. دلایل امنیتی و سلیقه ای به جای خود که میتواند در هر شرایط معتبر باشند و یا شاید هم نه، اما در پایه ای ترین سطح معضل همان است که تسلیم پراکنده ماندن و متشکل نشدن ی که بر جامعه، فعالین و پیشروان تحمیل شده است، هستیم.

این ما را از پرداختن مشترک به هدف، برنامه و کار حزبی و متشکل دور کرده است. این مشکل را به شکل های مختلف میتوان دید. رفقای با وجود اینکه در محیط های مشترکی با هم فعالیت میکنند قادر به رفع مشکلات پراکنده ماندن نشده اند، رفقای یا جمع هایی از رفقا افراد پیرامون خود را نه تنها متشکل بلکه از خود دور میکنند و بعضا آنها که جمعی کار میکنند، لازم نمیبینند با رهبری حزب در ارتباطی ارگانیک باشند و ... همه اینها وجود دارند و کماکان در میان ما عمل میکنند. بدون رفع اینها قادر به کار متشکل و حزبی، آنطور که حزب میخواهد و برای رسیدن به اهدافمان لازم هستند، نیستیم.

۲- خصوصیات حزب و جنبش ما باید خصوصیات کادر حزب را منعکس کنند.

یک معضل "ناعلاج"

یک معضل "ناعلاج" در بخشی از کار رفقای ما این است که نمیتوانیم دیگر کمونیستها و فعالین عرصه های مختلف مبارزه را که بخود جلب میکنیم، نگه داریم. و بعد از مدتی نه بر اثر اختلافات سیاسی و ایدئولوژیک، بلکه بر اثر اختلافات سلیقه ای و یا راضی نبودن از کار همدیگر و یا انتقاداتی در زمینه نحوه فعالیت و اولویت هایی که برای خود تعیین میکنیم، قادر به ادامه فعالیت با هم نیستیم. این معضل معمولا از پیشرو ترین و لایق ترین رفقا هم سر میزند. مشکل چیست؟

بنظر ما این معضل، نشناختن قابلیت های جنبش و حزب است. و به همین دلیل ارزش و نقشی که کادر های کمونیست، فعالین حکمتیست و هر کسی که با ما میخواهد همراه شود را نمیتوان فهمید و نمیتوان آنرا در جایگاه و موقعیتی که جنبش و حزب ما به آن نیاز دارد قرار بدهد. اگر تن دادن به پراکندگی یک طرف مسله است، قایل نشدن ارزش و اهمیت تک تک کسانی که با ما هستند و یا میتوانند با ما باشند، طرف دیگر مسله را تشکیل میدهد. این عملا ما را از متشکل کردن و دسترسی به حزبی مستحکم، متشکل و توده ای که متمرکز بر اساس نقشه هایش پیش میرود باز میدارد.

حزب و جنبش ما خصوصیات دارد که کادر و رهبران حزب باید دارای آن باشند. ما نمیتوانیم گروه و فرقه ای باشیم که برای هم تبلیغ میکنند و خود تهییج میشوند در حالی که جامعه مسایل دیگری را

مقابل خود دارد.

کار ما سازمانداده قیام خودمان برای رها کردن جامعه از این نظام و جانیان حاکم بر آن است. حزب و جنبش ما در پی متشکل کردن کمونیستهایی است که در جامعه مشغول مبارزه ای پیگیر و اجتماعی هستند، حزب ما حزب جنبش سوسیالیستی کارگران است، حزب آزاد کردن همه مردم از استثمار و محرومیت و استبداد است، چنین حزبی در پی سازمانداده این جنبش ها است.

راه حل ما آترناتیوی برای کل جامعه است. حزب مدافع آزادی بدون قید و شرط بیان و عقیده، حزب سازمانده گارد آزادی، حزب مبارزه برای رهایی زندانیان سیاسی، حزب قیام و انقلاب. کادر حزب و کمیته کمونیستی حزب باید دارای این خصوصیت باشد و توانایی جلب و جذب فعالین و رهبران این جنبش ها را در خود داشته باشد. بدون برسمیت شناختن این و بدون اینکه این مبارزه همه جانبه با سازمان و انسانهایی که این مبارزه و جنبش را پیش میبرند و بدون شناخت از همه موانع و مشکلات و کمبود ها و قابلیت هایی که در آنها هست، ما قادر به تاثیر گذاری بر آنها و توده ای شدن نیستیم.

اینها آن قابلیت هایی هستند که کادر حزب باید دارا باشد در غیر این صورت ما توان متشکل کردن و متشکل نگاه داشتن با حزب و قادر به رهبری مبارزات تحت سیاست و برنامه هایمان نخواهیم شد. به این لحاظ است که میگوییم

کادر حزب باید دارای خصوصیات حزب باشد، باید بتواند فعالین و دیگر کمونیستها و مبارزین را بخود جلب کند و آنها را در تشکیلات خود نگه دارد و آنها را در روابط خود حفظ کند و بتواند بطور واقعی رهبر آنها باشد، قادر باشد بعنوان سرمایه کار انقلابیمن نگهداری کند، بفکرشان باشد، پاسخگوی مشکلاتشان باشد و بداند که در چنین جنبش ها و فعالین و رهبرانی همه نوع خصوصیات و رفتار و سلیقه های متنوع و حتی اختلافات هم میتواند وجود داشته باشند، هنر کمیته کمونیستی و هنر کادر حزب حفظ و پیش برد این چنین ترکیب و توانایی هایی است که وجود دارند. دست آنها را در دست هم گذاشتن و همه را برای یک هدف واحد متشکل کردن است، معیار ها و شاخص های فردی هر یک از ما در برگیرنده چنین خصوصیتی که حزب و کادر حزب باید داشته باشد، نیست و توده ای شدن کمیته و هر بخش از تشکیلاتی که ساخته ایم اگر بر اساس چنین معیارهای سیاسی و جنبشی نباشند، به امری واقعی تبدیل نمیشود. کادر حزب یعنی آن توانایی و قدرتی که به سادگی بتواند هر نیرو و هر توان و امکانی را در جای خود و برای امر عمومی و هدفی که داریم سازمان بدهد. بدون تردید هر کسی که میخواهد با ما مبارزه مشترکی کند را ما باید بتوانیم در ظرفیتی که دارد سازمان بدهیم، این ظرفیت و توان هر اندازه که

متحد شوید! به حکمتیست ها پیوندید! با ما تماس بگیرید!

هست برای حزب و جنبش ما حیاتی است. همه ما کادرهای حزب هیچگاه آنچه را که امروز میدانیم و تجربه کرده ایم در ابتدا نمیدانستیم. کادر و کمیته کمونیستی حزب آن مهمترین حلقه ایست که حزب را میسازد، در محیطی که کمیته کمونیستی وجود دارد یعنی حزب موجود است و حزب در هر کارخانه و محله و دانشگاهی باید این خصوصیات را از خود بروز دهد تا قادر به توده ای شدن باشد. راضی شدن به نگاه داشتن چند همفکر

در کنار هم نمیتواند این اهداف را برآورد کند، این کار ساده ای میتواند باشد، در حالی که دیگرانی که در مبارزه اند و با ما نیستند و یا با ما هستند و هنوز متحد نشده اند را باید به جنبش و حزب جلب و جذب کنیم.

در چنین صورتی است که حزب ما با جنبش طبقه کارگر، با جنبش سرنگونی، با جنبش جوانان و زنان و فعالین ورهبران میتواند چفت شود، کاری که فقط از کانال کادر های حزب و کمیته ای کمونیستی میتواند میگذرد.

آگاهی طبقاتی بیشتری بوده ایم. قوم پرستی و تفرقه میان کارگران امسال بخصوص جایی نداشت. -شرکت و حمایت وسیعتر از مراسم های مستقل دامنه حمایت مردم از مراسم های مستقل کارگری در همه جای کشور امسال بخصوص بسیار چشمگیر بود. از تهران تا سنج، آن کس که اعتراضی انسانی به جامعه امروز داشت، خود را در کنار صف اعتراض کارگری دید.

اول مه امسال را باید بحق به همه فعالین کارگری، فعالین چپ و کمونیست تبریک گفت. خسته نباشید و دستتان درد نکند.

محیطهای دانشگاهی مجبور بودند که به راه های مختلف و طرح شعارهای گوناگون در مراسم های مختلف و از جمله شانزده آذرهای متمادی، حمایت خود را از اعتراض کارگری در جامعه اعلام کنند، امسال این حمایت مستقیما از طرف فعالین کارگری مورد خطاب قرار گرفت و اعتراض چپ و انسانی را در دانشگاه ها و در میان فعالین سیاسی، مستقیما در کنار اعتراض کارگری در جامعه قرار داد.

-قطعنامه های رادیکال و روشن امسال در هر کجا که قطعنامه ای به مناسبت این روز به تصویب رسید، شاهد شفافیت، روشنی و

ایزوله کردن سیاست هایی شدند که سالهای پیش خود مانعی درعمل مستقیم کارگری بودند. سیاست هایی که تحرکات به مناسبت این روز را شقه شقه میکردند، تحرکاتی که بخشی از کارگران را به هر بهانه ای به مراسم های رژیم اسلامی میکشانند و تحرکاتی که مملو از سکتاریسم کومه بینانه بودند. این حرکات امسال جای زیادی در میان فعالین کارگری نداشتند. امسال بخصوص منفعت عمومی و اجتماعی کارگران نمایندگی شد. -پیوستگی اعتراض کارگری به دانشگاه ها اگر سالهای گذشته فعالین چپ در

اول مه پیروزی برای رهبران

... بی سابقه بود. جلساتی که حول تدارک این روز برگزار شدند، بعکس سال های قبل دربرگیرنده صف بسیار وسیعتری از این فعالین کارگری بودند و به طبع آن بحثهایی هم که حول چگونگی برگزاری این روز در گیر بودند، بسیار "زمینی تر" و عینی تر بودند.

-نقد سیاست های نادرست در اکثریت این مجامع ما شاهد بحث و تبادل نظر درباره نحوه برگزاری این روز بودیم، بحثهایی که منجر به کنار گذاشته شدن و

کمیته تشکیلات کل کشور

بهرام مدرسی(دبیر) : bahram-modarresi@freenet.de
اسد گلچینی : asad.golchini@ukonline.co.uk
مظفر محمدی : mozafar_mohammadi@yahoo.com
محمود قزوینی : mahmood@iran-tribune.com
خالد حاج محمدی : khaledhaji@yahoo.com

**ساعات پخش برنامه های
تلویزیونی پرتو:
هر جمعه ساعت ۷ تا ۸ شب به وقت
تهران
روی شبکه تلویزیونی کانال یک**